



عکس روی جلد از اینگه مورات، تهران، ۱۹۵۸ م.، سایت مگنوم

فصلنامه تاریخ مردم

شماره چهارم و پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۹۶ | ۱۵۰۰۰ تومان

MARDOMNAMEH

A PEOPLE'S HISTORY JOURNAL

NO. 4 & 5 - SUMMER & AUTUMN 2017

تاریخ اجتماعی جایگاه سنگنبشته‌های ایران دوران اسلامی در پژوهش تاریخ مردمان فرودست؛ مقصودعلی صادقی / تاریخ سرقت در ایران؛ حسین بیاتلو | تاریخ فرهنگی مردم با تمام خانواده (بارگویی روایاتی از یک عکس)؛ افسانه نجم آبادی / یان آسمن و «حافظه فرهنگی»؛ سارا کیان راد / تصویر ایران در الجزیره الوثائقیه؛ سید باسرفزونی حائری | تاریخ اقتصادی موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران عصر پهلوی؛ تجربه کفش وین (۱۳۵۸-۱۳۲۲ ش.)؛ فریدون شیرین کام | تاریخ هنر و معماری مردم رهاورد؛ بررسی فضای قهوهخانه در خانه‌های تاریخی شهر بروجرد؛ مریم پوراسماعیل / بازیابی هویت زنانه در نقوش نمادین قالی ذهنی باف بختیاری؛ الهام ملک زاده، شیوا باورصاد | نقد و نظر مردم شناسی تاریخی مورد غفلت قرار گرفته است؛ گفتگوی کلودین گوتیه، مردم شناس فرانسوی؛ آرزو رسولی | مرده‌نامه نویسی؛ نظریه و روش در جستجوی حاکمیت روایی؛ پست مدرنیسم و مردم بدون تاریخ؛ کروین لی کلین؛ ترجمه عبدالله امینی | مورخان و مردم سوگنامه جورج راب (۱۹۱۰-۱۹۳۳ م.)؛ نیکولاس راجرز؛ ترجمه واهین صمیمی / زریاب خوبی در بلندای تاریخ و فلسفه؛ بیست و سومین سالگرد درگذشت اسطوره تاریخ؛ سیروس بردران شکوهی | تاریخ در ترازو تاریخ، علم مزاحم است، تاریخ نگاری اسلامی در ایران معاصر در گفتگوی غلامرضا ظریفیان؛ محسن آزموده | معرفی کتاب | تاریخ در فضای مجازی دنیای زنان در عصر قاجار (آرشیو دیجیتال و وبسایت)؛ افسانه نجم آبادی / ترجمه مریم مومنی | کشکول حکایتی از یادگار ایام (۳)؛ روزبه زرین کوب / تلگرام نوشته‌ها | گزارش روایتی مردم‌نامه | وقایع انقلابیه |



@mardomnameh



mardomnameh.com



@mardomnameh



فصلنامه مرزنامه
۱۳۹۶





فصلنامه تاریخ مردم

شماره چهارم و پنجم، تابستان و پاییز ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: داریوش رحمانیان

سردبیر: داریوش رحمانیان

مشاور سردبیر: محمد واشویی

دبیر تحریر: زهرا حاتمی

مدیر هنری: پاشا دارابی

تحریریه: محسن آزموده، محمدجواد عبداللهی، علی اکبر مسگر، مهدی میرزایی

روابط عمومی و امور مشترکان: شقایق دیلی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی شرکت چاپ و نشر بازرگانی

« کلیه حقوق محفوظ و مخصوص مجله مردمنامه است. »

ایمیل: mardomnamehmag@gmail.com / mardomname@gmail.com

info@mardomnameh.com

صندوق پستی: ۱۷۸۴ - ۱۳۱۴۵

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، رویروی سینما سپیده، شماره ۱۱۷۶، واحد ۴

کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۶۱۵

تلفن و دورنگار: ۰۶۶۹۵۱۸۸۰

تلفن روابط عمومی و امور مشترکان: ۰۹۳۶۹۶۳۸۰۰۹



@mardomnameh



mardomnameh.com



@mardomnameh

فهرست مطالب

تاریخ اجتماعی

- جایگاه سنگنبشته‌های ایران دوران اسلامی در پژوهش تاریخ مردمان فرودست * مقصودعلی صادقی ۶
- تاریخ سرقت در ایران * حسین بیاتلو ۱۹

تاریخ فرهنگی مردم

- با تمام خانواده (بازگویی روایاتی از یک عکس) * افسانه نجم آبادی ۳۲
- یان آسمن و «حافظه فرهنگی» * سارا کیان راد ۴۹
- تصویر ایران در الجزیره الوثائقیه * یاسر قزوینی حائری ۵۹

تاریخ اقتصادی

- موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران عصر پهلوی: تجربه کفش وین (۱۳۵۸-۱۳۴۲ ش.) * فریدون شیرین کام ۷۰

تاریخ هنر و معماری مردم

- رهاورد؛ بررسی فضای قهوه‌خانه در خانه‌های تاریخی شهر یروجرد * مریم پوراسماعیل ۸۸
- بازیابی هویت زنانه در نقوش نمادین قالی ذهنی باف بختیاری * الهام ملک زاده، شیوا باورصاد ۹۶

نقد و نظر

- مردم شناسی تاریخی مورد غفلت قرار گرفته است؛ گفتگو با کلودین گوتیه، مردم شناس فرانسوی * آرزو رسولی / آندیا عبایی ۱۰۸

ترجمه‌نامه‌نویسی نظریه و روش

۱۱۶ در جستجوی حاکمیت روایی: پست مدرنیسم و مردم بدون تاریخ* کروین لی کلین / ترجمه عبدالله امینی

عزیزخان و مردم

۱۵۶ سوگنامه جورج رود (۱۹۱۰-۱۹۳۳ م.) * نیکولاس راجرز / ترجمه رامین صمیمی

۱۶۰ زریاب خویی در بلندای تاریخ و فلسفه؛ بیست و سومین سالگرد درگذشت اسطوره تاریخ* سیروس برادران شکوهی

شرح ارماتو

تاریخ، علم مزاحم است، تاریخ‌نگاری اسلامی در ایران معاصر در گفتگو با غلامرضا ظریفیان؛ *

۱۸۴ محسن آزموده

معرفی کتاب

۲۰۶ مردم‌نامه فقر در آمریکا * گابریل لویکونو / ترجمه رامین صمیمی

۲۱۰ مردم‌نامه آلمان * اریک راسل بنتلی / ترجمه رامین صمیمی

۲۱۲ کودتاهای ایران * سهراب یزدانی / فرهاد دشتکی نیا

۲۱۵ طلسمات نوشته دار در ایران دوران اسلامی؛ سعادت و سلامت برای دارنده آن * سارا کیان زاد

تاریخ فضای مجازی

۲۲۴ دنیای زنان در عصر قاجار (آرشیو دیجیتال و وبسایت) * افسانه نجم آبادی / ترجمه مریم مومنی

تاریخ

۲۳۲ حکایتی از یادگار ایام (۳) * روزبه زرین کوب

۲۴۱ تلگرام نوشته‌ها *

۲۵۲ گزارش رونمایی مردم‌نامه *

۲۶۴ بیابان خندان

تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع
تاریخ اجتماع



تاریخ اجتماع



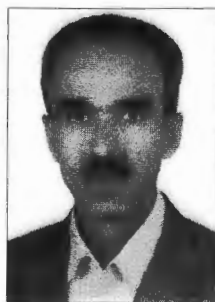


جایگاه سنگنبشته‌های ایران دوران اسلامی در پژوهش تاریخ مردمان فرودست

مقصودعلی صادقی *

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقصودعلی صادقی (۱۳۴۷- - برجن) دانشیار تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس تهران است. وی کارشناسی تاریخ را در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه اصفهان دریافت کرد و در سال ۱۳۷۵ در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ با گرایش ایران دوره اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس تهران فارغ التحصیل شد. او دکتری خود در گرایش ایران اسلامی را با تأکید بر دوره صفویه در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه تبریز اخذ نمود. از سال ۱۳۷۶ و همزمان با دوره دکتری تا پایان سال ۱۳۹۴، که به دانشگاه تربیت مدرس تهران منتقل شد، در دانشگاه تبریز به تدریس و پژوهش مشغول بود. حاصل این دوران مقالات و کتاب‌هایی است در حوزه تاریخ میانه و جدید ایران، از جمله شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام (۱۳۸۸)، صفویه در گستره تاریخ ایران زمین (مجموعه مقالات) (۱۳۸۴)، نخستین آگاهی‌های ایرانیان از نظام‌های حکومتی در اروپا (۱۳۸۰) و ...



این نوشته را، با همه کمرمایی، به پاس کوشش‌های سترگ استادان گرانمایه، سیروس برادران شکوهی، یوسف رحیم‌لو و یحیی کلانتری، در طرح پژوهشی سنگنبشته‌های آذربایجان (در دانشگاه تبریز) پیشکش می‌کنم. به امید آن که با انتشار آن پژوهش ارزشمند، جامعه علمی کشور از نتایج آن برخوردار شود.

پیشگفتار

روزگاری نسبتاً طولانی از پژوهش‌های تاریخی در ایران به روش جدید می‌گذرد. اما کاربست همه الزامات روش‌های نوین پژوهش تاریخی در این تحقیقات چندان رواج ندارد. یکی از الزامات روش‌های جدید پژوهش تاریخی بهره‌گیری از گونه‌های مختلف منابع و بسنده نکردن به منابع سنتی (عمدتاً

جای خود منبعی است که می‌تواند آگاهی‌هایی ناگفته از گوشه و کنار زندگی اجتماعی، به ویژه تاریخ مردم، به دست دهد و بسیاری از حفره‌های موجود در بخش‌های مختلف تاریخ ایران را از نظر اطلاعاتی پر کند. از جمله این منابع، سنگنبشته‌ها هستند که در دست‌بندی کلی‌تر کتیبه‌ها قرار می‌گیرند و به استثنای پژوهش‌های درباره تاریخ ایران باستان، که به دلیل کمبود منابع چاره‌ای جز بهره‌گیری از آنها نبوده است، در پژوهش درباره ادوار پسین، به ویژه تاریخ ایران دوران اسلامی، تقریباً نادیده گرفته شده‌اند. البته بر روی بسیاری از سنگنبشته‌های ایران دوران اسلامی و برای شناخت و انتشار آنها، کارهایی ارزشمند انجام شده است. متن بسیاری از این سنگنبشته‌ها چه در قالب تاریخ‌های محلی و چه به صورت طرح‌های تحقیقاتی مستقل و

کتاب‌های تاریخ است. از این دیدگاه هرآنچه بتواند درباره موضوع پژوهش آگاهی یا آگاهی‌هایی، اندک یا بسیار، در اختیار پژوهنده قرار دهد، باید در تحقیق به کار گرفته شود. اما در یک سده اخیر پژوهشگران ایرانی تاریخ ایران بسیاری از منابع مهم تاریخ ایران را، به دلیل دیرپایی یا سخت‌یابی، نادیده گرفته‌اند و بیشتر بر اساس منابع سنتی بخش‌هایی از تاریخ ایران را نوشته‌اند. همکاری چندانی میان آنان و پژوهشگران رشته‌های مرتبط، همچون باستان‌شناسی، ادبیات، دیرین‌شناسی و غیره، برقرار نشده است. از این روی بسیاری از واقعیت‌های تاریخ ایران به شکل ناگفته باقی مانده است. مجموعه گوناگون اشیاء باستان‌شناسی، انواع اسناد، انواع کتیبه‌ها، انواع ساختمان‌ها و آثار معماری و دیگر بازمانده‌های زندگی مردمان پیشین ایران هریک در



تصویر ۱: سنگنبشته مسجد حسن پادشاه تبریز؛ فرمان شاه طهماسب اول درباره منع خانه نرول

کردستان،^۲ عبدالرفیع حقیقت در تاریخ سمنان^۳ و البته طرح مفصل و گرانسنگ سنگنبشته‌های آذربایجان (از نمونه‌های منتشر نشده و در سه مجلد در دانشگاه تبریز) پژوهش استادان سیروس برادران شکوهی، یوسف رحیم‌لو و یحیی کلانتری؛^۴ استادان گروه تاریخ دانشگاه تبریز، که با وجود ارزش‌های پژوهشی فراوان، متأسفانه هنوز منتشر نشده است و برخی بازخوانی‌ها که به صورت مقاله منتشر شده است، همگی کارهایی ارزشمند است که با سختی‌های خاص خود فراهم آمده و منابع ارزشمند را در اختیار پژوهشگران تاریخ ایران قرار داده است.^۵ زین پس، افزون بر لزوم کوشش دیگر پژوهشگران برای بازخوانی و انتشار سنگنبشته‌های منتشر نشده به صورت پژوهش‌های مستقل، به کارگیری آگاهی‌های فراوان و گاه بی‌مانند موجود در آثار منتشر شده بالا و نمونه‌های دیگر، گام بایسته دوم است که پژوهشگران تاریخ ایران باید بردارند.

اهمیت سنگنبشته در تحقیقات تاریخی سنگ‌نوشته یا سنگنبشته یکی از کهن‌ترین گونه‌های نوشتاری مردمان جهان در درازای تاریخ بوده است. از آنجا که مردمان نخستین بیشتر در دل کوه‌ها و اشکفت‌ها زندگی می‌کردند، سنگ و صخره یکی از دسترس‌ترین چیزهایی بود که می‌توانستند بر آن نگاره‌ای یا نوشته‌ای از خود به یادگار بگذارند. این نقش‌ها پیش از پیدایش خط، اشکال جانوران و گیاهان و گاه نقوش انتزاعی بود، اما پس از پیدایش خط، مردمان یادگراها و خواست‌های خود را، افزون

یا مقالات، گردآوری و بازخوانی شده است و البته هنوز شماری فراوان از این گونه مهم نگارشی هنوز بازخوانی و منتشر نشده است. کوشش‌های گرانقدر استادان و فضلای همچون ایرج افشار در یادگارهای یزد؛^۶ عبدالعلی کارنگ در آثار باستانی آذربایجان،^۷ منوچهر ستوده در از آستارا تا آستارباد و همچنین آثار تاریخی ورارود و خوارزم،^۸ لطف الله هنرفر در گنجینه آثار تاریخی اصفهان،^۹ ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در آثار ملی اصفهان،^{۱۰} حسین مدرسی طباطبائی در تربت پاکان (آثار و بناهای قدیم محدوده دارالمؤمنین قم)،^{۱۱} مسعود گلزاری در کتاب کرمانشاهان و



سنگنبشته مسجد جامع اسدآباد همدان؛ فرمان مورخ ۱۰۴۶ ق. شاه صفی درباره بخشودگی مالیات‌های کولیان و لولیان و هندویان و غیره (منبع: کتاب کردستان و کرمانشاه، مسعود گلزاری)



تصویر ۳: سنگنبشته مسجد جامع یزد؛ فرمان مورخ ۱۰۴۷ق. شاصفی دربارهٔ بخشودگی مالیاتی گروه‌هایی که مالیاتشان در وجه رسوم میرشکارباشی پرداخت می‌شد. (منبع: کتاب یادگارهای یزد، ایرج افشار)

همین واپسین سال‌های فرمانروائی قاجاریه می‌توان نمونه‌هایی از آن را در جاهای گوناگون ایران یافت. البته در کنار سنگنبشته، گونه‌های دیگر نوشتن بر دیواره‌ها، همچون کاشی‌نوشته، گِل‌نوشته، آجرنوشته و مانند آن نیز در تاریخ ایران رواج داشته است. اما گویا مردمان ایرانی حد فاصلی میان کاربرد هر یک قائل بوده‌اند. چه نمونه‌های اخیر بیشتر کاربرد تزئینی در ساختمان‌ها داشته‌اند، اما سنگنبشته‌ها، در بیشتر موارد (و نه همهٔ موارد) کاربردی گزارشی و یا اعلامیه‌ای داشته‌اند.

بر نقوش پیشین، با بهره‌گیری از خط نیز بر سنگ می‌نگاشتند. سنگ هم بوم نقاشی آنان بود و هم برگ کتابشان. چه هم در دست‌رسان بود و هم، نسبت به دیگر چیزها، استحکام و ماندگاری بیشتر داشت. از همین روی است که «نقش بر سنگ» یا عباراتی مانند آن، کنایه از ماندگاری نقش شد. سخن رودکی، شاعر بزرگ پارسی گوی نیز از همین دست است: مردمان بخرد اندر هر زمان

راز دانش را به هرگونه زبان

گرد کردند و گرامی داشتند

تا به سنگ اندر همی بنگاشتند

از روزگاری که در جوامع بشری نهادهائی همچون دولت تشکیل شد، دولت‌ها نیز خواست‌ها و یادگارهای خود را بر سنگ نوشتند و دزدیدگاه مردم نهادند. اینجا دیگر اندازهٔ سنگنبشته بسیار بزرگتر و شکوهمندتر از نمونه‌های مردمی پیشین بود. این سنگنبشته‌ها بیشتر شامل فتحنامه‌ها و گزارش دیگر کارهای در پیوند با فرمانروائی بود. در ایران از روزگار عیلامیان و حکومت‌های محلی، همچون اورارتوئیان، نمونه‌هایی از چنین سنگنبشته‌ها بر جای مانده است. اما اوج سنگنبشته نگاری در ایران در فرمانروائی هخامنشیان روی داده است. اوجی که هیچگاه تکرار نشد. حتی ساسانیان هم، که در پیروی از هخامنشیان سنگنبشته‌هایی پر شمار از خود به یادگار گذاشتند، نتوانستند شکوه سنگنبشته‌های هخامنشی را تکرار کنند. در دوران ایران اسلامی نیز پدیدهٔ سنگنبشته همچنان سنتی رایج بود و تا

سنگنبشته‌ها به نگارش درآورده‌اند. برخی از مهم‌ترین این موضوعات عبارتند از: یادگارهای ساده که به هر مناسبتی ممکن بود نوشته شود، "وقف نامه‌ها، تاریخ یا ماده تاریخ ساخت بنا و رویدادها و مانند آن. گستردگی این موضوعات به گونه‌ای است که هریک می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه باشد.

بسیاری از سنگنبشته‌ها در طول زمان از میان رفته است. برخی از سنگنبشته‌های دولتی دارای نمونه‌های فراوان در سراسر کشور بوده است. اینها سنگنبشته‌هایی هستند که مخاطب در آنها مردمان همه قلمرو کشور بوده‌اند. مثلاً سنگنبشته‌های مربوط به بخش‌های مالیاتی که اختصاص به جایی خاص ندارد و سراسری است، منع مردم کشور از کارهایی خاص یا دستور به کارهایی خاص و مانند آن. از این روی امروزه اگر در نقطه‌ای از کشور سنگنبشته‌ای با مخاطب عام (همه مردم ایران) دیده می‌شود که نمونه‌ای دیگر از آن را نمی‌شناسیم، می‌توان گمان کرد که در بسیاری دیگر از جاهای کشور نیز سنگنبشته‌ای با همین مضمون برپا بوده و در رویدادهای بعدی از میان رفته است. از این روی مضمون همین سنگنبشته را می‌توان در مطالعات تاریخ ایران با احتیاط به سراسر کشور تعمیم داد. البته موضوع برخی از سنگنبشته‌ها نیز به روشنی اختصاص به شهر یا ایالتی خاص دارد که قابل تعمیم به جاهای دیگر نیست.

سنگنبشته‌های حکومتی، برخلاف تاریخ‌های رسمی که بیشتر برای فرمانروایان نوشته می‌شدند، مخاطبشان آشکارا همه گروه‌های مردم بود. چه

گونه‌های غیر سنگنبشته بسیار کمتر چنین کاربردی می‌داشتند. گویا این به آن دلیل است که محتوای این گونه از نوشته، از نظر بانی آن همیشگی می‌بود و ماندگاری نوشته بر سنگ، نسبت به دیگر چیزها بسیار بیشتر بود. درست همین نکته (حالت گزارشی و اعلامیه‌ای سنگنبشته‌ها) است که اهمیت بیشتر سنگنبشته‌ها به‌عنوان منبعی برای پژوهش‌های تاریخی را، در سنجش با دیگر گونه‌های کتبی، نشان می‌دهد. سنگنبشته‌ها، چه در روزگار پیش از اسلام و چه پس از آن، بیشتر یا حالت گزارش به مردم یا فرمان به آنها داشته‌اند. از همین روی، در بیشتر نمونه‌ها، یک سوی سنگنبشته مردم بوده‌اند. البته در برخی موارد نیز ممکن است هر دو سوی سنگنبشته مردم باشند و این آنجائی است که سازنده آن مردمان عادی و غیرحکومتی بوده‌اند. این دست سنگنبشته‌ها نیز در تاریخ ایران اسلامی کم نیستند. بنا بر این، سنگنبشته‌ها افزون بر همه کاربردهائی که در پژوهش‌های تاریخی به مناسبت موضوعشان دارند، منبعی مهم برای تاریخ مردم‌اند. سنگنبشته‌ها در جهان کهن در واقع کاربردی رسانه‌ای داشته‌اند. چه از یک سو گزارش‌هایی به مردم درباره کارکرد حاکمیت در برخی از آنها وجود دارد. مثلاً فتحنامه‌ها و کتیبه‌هایی مانند کتیبه بیستون، که گستره قلمرو حکومت‌ها را گزارش می‌کنند، از این دست می‌باشد. در برخی دیگر فرمان‌هایی از حکومت به مردم مبنی بر انجام کاری یا منع از کاریا کارهایی به چشم می‌خورد. در برخی دیگر اشخاص غیرحکومتی مسائلی مختلف را در

فرمانروا به واسطه این سنگنبشته به گونه‌ای با مردم ارتباط برقرار می‌کرد. نکته دیگر این است که مطالب موجود در سنگنبشته‌های دولتی تا اندازه بسیار بیشتری، در مقایسه با کتاب‌های تاریخ رسی، از واقعیت برخوردار هستند. به استثنای نمونه‌هایی که دربرگیرنده فتحنامه‌ها و گستره قلمرو و مانند آن است و عنصر اغراق می‌تواند در آن راه یافته باشد، دیگر سنگنبشته‌های دولتی که حالت فرمان به مردم یا والیان شهرها و ایالات دارند، تا اندازه بسیاری با واقعیت انطباق دارند. چه اصولاً این‌گونه از سنگنبشته‌ها حالت سندی داشت و قرار بود عمل دولت و مردم بر پایه آن تنظیم شود. در این صورت تفاوتی میان این دسته با اسناد کاغذی وجود ندارد. اصولاً مضمون این سنگنبشته‌ها نیز پیش از آن که بر سنگ نبشته شود، به صورت سندی کاغذی صادر و به حاکم ایالت یا شهر دستور داده می‌شد تا عین متن سند بر سنگ نقش و در محل عبور عموم مردم، به ویژه در مسجد جامع، نصب شود. در بسیاری از موارد حتی دستور داده می‌شد پیش از تهیه و نصب سنگنبشته، مضمون آن را جارچیان به اطلاع مردم شهر مورد نظر برسانند. خوشبختانه نمونه‌ای از سندی که قرار بوده است بعداً به سنگنبشته تبدیل شود، از دوره صفویه برجای مانده است که در آن شاه طهماسب خطاب به حاکمان نواحی نخجوان، جلفای ارس (جولاه)، گوگچه دنیز و شوره گل، دیدن امام زمان در خواب و دستور او به شاه برای بخشیدن مالیات تمغا (یا تمغوات) را شرح می‌دهد و آنگاه به والیان یاد شده، یادآور می‌شود که: «متعاقب

صورت واقعه مذکور به تفصیل با پروانچه اشرف ثبقی به شرح و بسط فرستاده می‌شود که در سنگ نقش کرده، در مساجد نصب نمایند.»^۳ خوشبختانه «صورت تفصیلی واقعه مذکور» در فرمانی به شهری دیگر (تبریز) به صورت سنگنبشته در دست و همانی است که در سراسر کشور به صورت سنگنبشته در آمده است.^۴ همچنین اسناد و کتیبه‌هایی در دست است که به خوبی نشان می‌دهد متن فرمانی که قرار بود سنگنبشته شود، نخست در میان مردم جار زده می‌شد و مؤکداً به آگاهی همه می‌رسید. از جمله در فرمان سال ۱۰۴۶ق. شاه صفی برای بخشش مالیات برخی از گروه‌های فرودست اسدآباد و نواحی همسایه آن، به «حاکم داروغگان و کلانتران و مباحثان امور دیوانی نهاوند و اسدآباد و هرسین و دینور و بیلاور و سنقر و جوراب و ملایر و توابع از الوسات و احشامات ساکن محال مذکوره» دستور داده شده است متن فرمان را «چار نموده و جمع رعایای مذکور را مخبر سازند که مطلع گردند مالیه ایشان به تخفیف مقرر شده و صورت حکم همایون بر سنگ نقش نموده و در مسجد جامع محال مزبوره و بقاع الخیر، که منظور نظر خلائق بوده باشد، نصب نمایند.»^۵ عین سنگنبشته فرمان ۱۰۴۶ق. شاه صفی در مسجد اسدآباد همدان، در مسجد جامع یزد نیز نقش شده است.^۶ تفاوت متن این دو سنگنبشته تنها در این است که برخی پیشه‌های نام برده شده در دو متن با هم متفاوت است. بخشی از دلایل این امر ممکن است آن باشد که پیشه‌های رایج در هر شهر الزاماً در شهرهای دیگر وجود نداشته است و این خود نشانی

فرمانروا به واسطه این سنگنبشته به گونه‌ای با مردم ارتباط برقرار می‌کرد. نکته دیگر این است که مطالب موجود در سنگنبشته‌های دولتی تا اندازه بسیار بیشتری، در مقایسه با کتاب‌های تاریخ رسی، از واقعیت برخوردار هستند. به استثنای نمونه‌هایی که دربرگیرنده فتحنامه‌ها و گستره قلمرو و مانند آن است و عنصر اغراق می‌تواند در آن راه یافته باشد، دیگر سنگنبشته‌های دولتی که حالت فرمان به مردم یا والیان شهرها و ایالات دارند، تا اندازه بسیاری با واقعیت انطباق دارند. چه اصولاً این‌گونه از سنگنبشته‌ها حالت سندی داشت و قرار بود عمل دولت و مردم بر پایه آن تنظیم شود. در این صورت تفاوتی میان این دسته با اسناد کاغذی وجود ندارد. اصولاً مضمون این سنگنبشته‌ها نیز پیش از آن که بر سنگ نبشته شود، به صورت سندی کاغذی صادر و به حاکم ایالت یا شهر دستور داده می‌شد تا عین متن سند بر سنگ نقش و در محل عبور عموم مردم، به ویژه در مسجد جامع، نصب شود. در بسیاری از موارد حتی دستور داده می‌شد پیش از تهیه و نصب سنگنبشته، مضمون آن را جارچیان به اطلاع مردم شهر مورد نظر برسانند. خوشبختانه نمونه‌ای از سندی که قرار بوده است بعداً به سنگنبشته تبدیل شود، از دوره صفویه برجای مانده است که در آن شاه طهماسب خطاب به حاکمان نواحی نخجوان، جلفای ارس (جولاه)، گوگچه دنیز و شوره گل، دیدن امام زمان در خواب و دستور او به شاه برای بخشیدن مالیات تمغا (یا تمغوات) را شرح می‌دهد و آنگاه به والیان یاد شده، یادآور می‌شود که: «متعاقب

به تصادف، در تاریخ‌های مرسوم نشده است. بدیهی است بازتاب دیگر گروه‌های مردم در سنگنبشته‌ها بسیار مفصل و متنوع‌تر است و میدان‌هایی بسیار فراخ‌تر از این را برای پژوهش می‌خواهد. امید که پژوهشگران تاریخ ایران گام‌هایی بلند در این راه بردارند تا گوشه‌هایی ناشناخته و دلکش از زندگی مردمان ایران زمین روشن‌تر شود.

سنگنبشته‌ها و تاریخ فرودستان

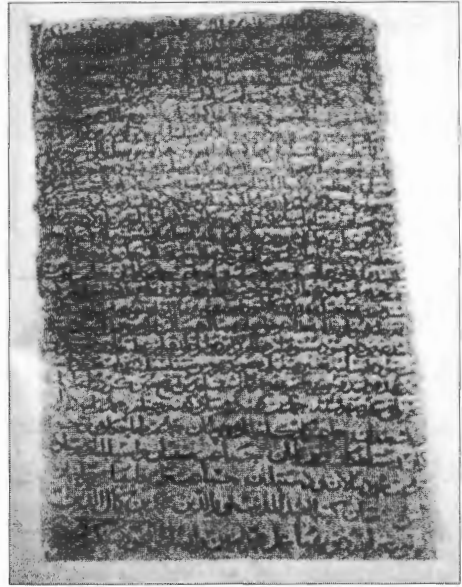
یکی از مهم‌ترین موضوع‌های رایج در سنگنبشته‌ها، که کاملاً با تاریخ مردم گره خورده، مسائل مربوط به مالیات‌ها، به ویژه بخشش‌های مالیاتی دولت برای مردم است. این بخش از سنگنبشته‌ها را می‌توان پرشمارترین‌ها در نوع خود دانست. در آنها آگاهی‌هایی گرانبها درباره گونه‌های مالیات، بخشش‌های آن، مشاغل مرتبط با آن، گروه‌ها و پیشه‌های مردم و بسیاری اطلاعات سیاسی - اجتماعی دیگر یافت می‌شود که هر یک می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه باشد. تاریخ مردمان بسیار فرودست نیز، هرچند نه به فراوانی، گاهی در این‌گونه از سنگنبشته‌ها بازتاب‌هایی دارد. از جمله آنجا که در فرمان‌های سنگنبشته‌ای مالیات آنها بخشوده شده است. از خلال این فرمان‌ها گروه‌های گوناگون این دسته از مردم با دقت تمام نام برده شده و این برای شناخت دقیق آنها بسیار سودمند است. برای نمونه از فرمان سنگنبشته‌ای ۱۰۴۶ ق. شاه صفی برای بخشش مالیات کولیان (فیوج) و دیگر گروه‌های نزدیک به آنها، می‌توان این گروه‌ها را

از دقت دستگاه دیوانسالاری و مالی ایرانی در روزگار یادشده است. افزون بر اینها، سنگنبشته‌ها برای سالیانی دراز در گذرگاه و معرض دید مردم قرار داشت و همه مردم، از فرودست و فرادست تا باسواد و بی‌سواد، آنها را می‌دیدند و به فراخور حال خود از مضمون آنها آگاه می‌شدند. از این روی اینها در دسترس‌ترین گزارش‌ها و آگاهی‌های تاریخی برای مردم بودند. خلاصه سخن این که: سنگنبشته‌ها از هر سوی با مردم پیوندی ناگسستنی داشتند، از یک سو موضوعشان به هر ترتیب با زندگی و روزگار مردم درهم تنیده بود و از سوی دیگر در دسترس‌ترین نوشته‌های تاریخی برای مردم به شمار می‌آمدند. مجموع این ویژگی‌ها باعث می‌شود این دسته، یکی از مهم‌ترین منابع برای پژوهش تاریخ مردم باشند، هرچند تاکنون در عمل چنین نبوده‌اند. خوشبختانه شمار این نوشته‌ها، علیرغم از میان رفتن بیشتر آنها در گذر روزگار، هنوز قابل توجه و فراوان است. اطلاعات موجود در آنها نیز بسیار متنوع است و بسیاری از موضوعات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و مانند آن را دربرمی‌گیرد. پرداختن دقیق به همه موضوعات موجود در سنگنبشته‌ها در گنجایش این نوشته کوتاه نیست و عرصه‌هایی گسترده‌تر می‌خواهد. آنچه در اینجا به آن پرداخته می‌شود بحثی کوتاه درباره بازتاب تاریخ گروه‌های بسیار فرودست جامعه ایرانی در سنگنبشته‌ها است، که هرچند نمی‌توان آنها را تهیدست نامید، اما در میان توده مردم نیز جزو گمنام‌ترین و کم‌مایه‌ترین مردمان به شمار می‌آمدند. مردمانی که چندان یادی از آنها، جز

بی دریغ خسروانه بهره‌مند بوده، از کمال رفاهیت و آسودگی در مهد امان غنوده، به دعاگوئی دوام دولت روزافزون و استدامت سلطنت ابدمقرون قیام نمایند.»^{۳۱} مضمون این فرمان نشان می‌دهد که در زمان صدور آن، گروه‌های کم‌بضاعت نیز به حکومت مالیات‌هایی پرداخت می‌کرده‌اند. بررسی فهرست این گروه‌ها در دو فرمان می‌تواند نوع دسته‌بندی فرودست‌ترین مردمان (نه البته تهیدستان) از دیدگاه مردمان آن روزگار را روشن کند. نام بخشی از اینان در متن فرمان و در ذیل عنوان کلی «رعایای فیوج» آمده و دسته‌های آنان در سنگنبشته یزد به تعدای بیشتر به صورت «جماعت کاولیان، لولیان، جماعت هندویان مشهور به خطران،^{۳۲} جماعت حسن ابدالو» و بغدادلو» و توابع مذکوره فوق»^{۳۳} و در سنگنبشته اسدآباد به تعداد کمتر، به صورت: «جماعت کاولیان، لولیان، حسن ارانلو»^{۳۴} می‌باشد.

نکته دیگر این فرمان این است که پس از پایان متن اصلی فرمان، گروه‌هایی دیگر که این تخفیف‌های مالیاتی شامل شان می‌شده‌است نیز به آن افزوده شده است که از نظر تعداد بیشتر از گروه نخست‌اند ولی گویا از دید مردم آن روزگار، از نظر شأن اجتماعی بسیار نزدیک به آنان به شمار می‌آمده‌اند و از این روی در فرمان مختص کولیان، نام آنها نیز افزوده شده است. در سنگنبشته یزد شمار آنان بیشتر و بدین گونه است:

«جماعت کهنه فروشان و کهنه چینان»^{۳۵}
 جماعت آینه‌داران^{۳۶} و رنگ‌بندان، جماعت گاو گله بانان و چوپانان، جماعت ماماچگان^{۳۷} و نوحه‌گران و



تصویر ۴: سنگنبشته مسجد جامع یزد؛ فرمان مورخ ۱۰۴۷ ق. شاه صفی دربارهٔ بخشودگی مالیاتی کولیان، لولیان و هندویان و غیره. (منبع: کتاب یادگارهای یزد، ایرج افشار)

با دقتی بیشتر شناسائی کرد. از این فرمان، تا آنجا که در منابع منتشر شده دیده شد، دو نمونه در ایران باقی مانده است؛ یکی در مسجد جامع اسدآباد همدان و دیگری در مسجد جامع یزد. نمونه‌های منتشر نشده آن هم باید انگشت شمار باشد. اما متن آن نشان می‌دهد که فرمانی سراسری است:

از «ابتدای سیچقان ثیل مال و حقوق دیوانی جماعت مذکوره ضمن، رعایا و فیوج ممالک محروسه، را به تخفیف و تصدق مقرر فرمودیم.»^{۳۸}

آنگونه که از ادعای آغازین فرمان برمی‌آید هدف از این بخشش‌های مالیاتی تعمیر اعانات دولتی به عموم مردم، برای جلب دعای خیر آنان بوده است: «و عموم رعایا و کافهٔ برایا از مراحم و الطاف

آنان نیز به گونه‌ای با شکار ارتباطی داشته است: «صیادان دام‌گیر و ممرگیر و کوه‌گرد - سلاحان^{۳۱} - ماهی‌بیزان^{۳۲} و ماهی‌گیران - کبوتربازان^{۳۳} - بهله‌دوزان^{۳۴} و کیسه‌دوزان^{۳۵} - مرغ‌فروشان و لالافروشان^{۳۶} - جگر‌بیزان - سایر جماعت متعلق^{۳۷} به قوشخانه»^{۳۸}

در اینجا نیز پیشه‌هائی دیده می‌شود که در ساختار اصناف روزگار خود جایگاه و مکتبی چندین چشمگیر نداشته‌اند و ای بسا برخی از آنان مانند بهله‌دوزان و ماهی‌بیزان جزو مشاغل کمیاب به شمار می‌آمده‌اند. چه مثلاً بهله، که دستکشی چرمی است که میرشکاران، هنگام در دست گرفتن پرندگان شکاری، به دست می‌کرده‌اند، مگر چه اندازه مصرف داشته است که سازنده یا سازندگان آن بتوانند از راه آن درآمدی متعارف و همسنگ با دیگر پیشه‌های پررونق داشته باشند. از مقایسه فهرست پیشه‌های این کتیبه با فهرست پیشه‌هائی که در تذکره الملوک به‌عنوان پرداخت‌کنندگان رسوم امیرشکاریاشی به شمار آمده‌اند، اهمیت سنگنبشته‌ها بیشتر روشن می‌شود. چه با اینکه تذکره الملوک دقیق‌ترین منبع بازمانده درباره نظام اداری صفوی است، در آن فهرست پیشه‌های مورد بحث با اختصاری بیشتر درج شده و پس از ذکر چند نام، با عبارت «و غیره» از کنار مطلب گذشته است. اما نکته دیگر این است که برپایه تذکره الملوک گویا این بخشودگی‌های مالیاتی عصر شاه صفی، در اواخر دوره صفویه فراموش شده است، چه در روزگار اخیر همچنان رسوم امیرشکاریاشی از پرداخت‌های

مشاطگان^{۳۹} و تون‌بانان، جماعت منقیان^{۴۰} و آسیابانان و صیادان، جماعت شودمالان^{۴۱} و دشتبانان، جماعت ترک‌طیبیان^{۴۲} و جزاحان^{۴۳} و لش‌کشان^{۴۴}، اما در سنگنبشته اسدآباد شمار آنها کمتر و بدین گونه می‌باشد:

«با جماعت از صابون‌فروشان و آینه‌کاران^{۴۵} و [م]وبلندان و گاوگله‌بانان و چوپانان و مکاریان و مشاطگان و نوکران^{۴۶} و تون‌بانان و ساریبانان و صیادان و زه‌تابان و رمالان و جزاحان و قصابان و لشکشان»^{۴۷} شمار و نام اینان در این دو فرمان نیز اندک دیگرسانی‌هائی با یکدیگر دارد. دلیل قطعی برای این دیگرسانی نمی‌توان گفت. هرچند ممکن است بخشی از آن مربوط به تفاوت پیشه‌ها در نواحی مختلف و نبود برخی در دیگر نواحی باشد، اما برخی دیگر، مانند ماماچگان، نوحه‌گران، آسیابانان (در سنگنبشته یزد) و صابون‌فروشان، موبلندان (اگر درست خوانده شده باشد)، نوکران (اگر درست خوانده شده باشد)، زه‌تابان و قصابان و مکاریان (در سنگنبشته اسدآباد) مشاغل هستند که قاعدتاً در سراسر کشور وجود داشته‌اند.

در سنگنبشته‌ای دیگر، که یک سال پس از سنگنبشته بخشودگی مالیات کاولیان صادر شده است، مالیات گروهی دیگر از پیشه‌وران بخشوده شده است که باز به‌نظر می‌رسد از جمله گروه‌های پائین‌دست و گمنام اجتماع به حساب می‌آمده‌اند. اینان کسانی هستند که مالیاتشان به‌عنوان رسوم میرشکاریاشی و هزینه‌های قوشخانه، در وجه میرشکاریاشی پرداخت می‌شده است. نوع پیشه بیشتر

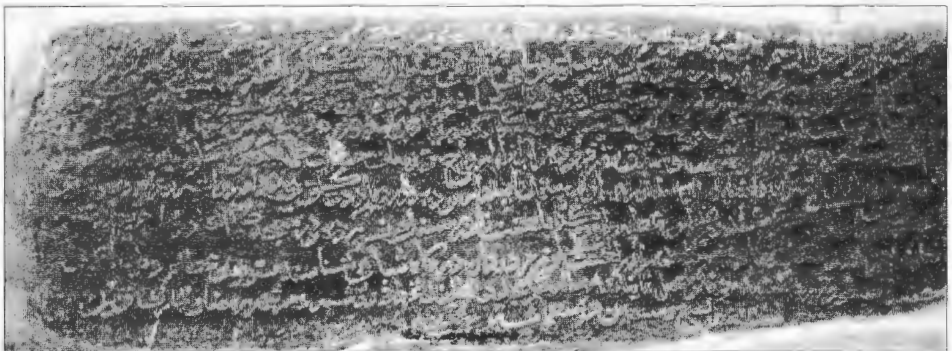
برای نمونه شغل زنبورداری که برخلاف امروز، در جهان قدیم نمی‌توانست چندان گسترده باشد، مشمول مالیات دهی بوده و پاره‌ای از کتیبه‌ها نشان می‌دهند که گاهی این مالیات، با نام «مال بیوت النحل» به مناسبتی بخشیده می‌شده است.^{۴۸}

افزون بر گروه‌های اغلب گمنام یا کم بضاعتِ بالا، اصناف شناخته شده‌تر جامعهٔ ایرانی نیز در برخی ادوار، دچار برخی زیاده‌ستانی‌های غیررسمی از سوی شماری از مأموران خودسر حکومتی می‌شده‌اند. چنان‌که برپایهٔ یکی از سنگنبشته‌های سال‌های واپسین فرمانروائی صفویان، ساکنان شهر یزد که «اکثر شعریاف و در کمال بیچارگی و پریشانی، و پیوسته به خدمات فرمایشی سرکار خاصهٔ شریف اشتغال می‌نمایند»^{۴۹} از دست اندازی‌ها و تحمیلات تفنگچیان رنج می‌بردند که مین باشیان از میان مردم این شهر به کار می‌گرفتند. از این روی شاه سلطان حسین در فرمان ۱۱۱۵ ق. (سنگنبشتهٔ مسجد جامع یزد) همهٔ مین باشیان و

پیشه‌هائی همچون صیادی، سلاخی، کله‌پزی، مرغ فروشی و کبوتر پرانی به‌دست می‌آمده است و دو محل دیگر هم برای این رسوم دیده می‌شود: یکی انعام آرامنهٔ جولاهی و دیگری انعام مجوسیان اصفهان.^{۴۵}

پیشهٔ نسبتاً کم‌درآمد دیگری، که می‌تواند در ردیف پیشه‌های بالا قرار گیرد، پیشهٔ سلمانی (آرایشگری مردانهٔ امروزی) است. اعضای این پیشه نیز، برپایهٔ سنگنبشتهٔ مورخ ۱۰۰۴ ق. مسجد جامع یزد، در اوایل روزگار شاه عباس، به پایمردی کسی به نام استاد حاجی دلاک مورد بخشودگی مالیاتی، که گویا مالیات غیررسمی بوده، قرار گرفته است.^{۴۶} در نمونه‌های دیگر، عباس میرزا نایب السلطنه هنگام گذر از یزد در سال ۱۲۴۶ ق. و هنگامی که شاهزاده سیف الدوله میرزا حاکم یزد بود، به پایمردی میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، مالیات صنف نانوای (خبازی) یزد را بخشیده است.^{۴۷}

این مالیات‌گیری و مالیات بخشی به دور افتاده‌ترین مشاغل نیز کشیده می‌شد. تا آنجا که



تصویر ۵: سنگ نبشتهٔ مسجد جامع اسدآباد همدان؛ فرمان شاه طهماسب اول صفوی مورخ ۹۷۹ ق.

درباره تخفیف مالیات چهارپا و بیوت النحل اسدآباد همدان

یوزباشیانِ تفنگچی و توپچی را از الزام اهالی یزد به خدمت به‌عنوان ابواب جمعی خود منع نموده است.^{۵۰} گونه‌ای دیگر از فشارها و اجحافات که بر دوش مردم در گذشته تاریخی ایران زمین گذاشته می‌شد رسم دشوار «خانه‌نزل» است. این رسم ظاهراً چنان بود که مأموران دولتی، چه آنان که هنگام سفر از شهر یا روستائی می‌گذشتند و چه آنان که به مناسبت پیشه دیوانی یا سپاهی خود در شهری کار می‌کردند، محل سکونت و گویا گاه محل کار خود (دیوانیان) را در خانه‌های مردم قرار می‌دادند. روشن است که حضور این مهمانان ناخوانده چه اندازه از سختی و رنج را بر ساکنان خانه روا می‌داشت. بنا بر این گاهی برخی از فرمانروایان، به انگیزه‌های گوناگون این بار گران را، که گاه رسماً در ردیف مالیات نام آن می‌آمد، از دوش مردم برمی‌داشتند. در این زمینه شاه طهماسب صفوی پیگیری بیشتری داشته است. از او چند سنگنبشته اختصاصاً درباره منع این شیوه سختگیرانه در برخی شهرهای ایران برجای مانده است. از جمله در یکی از سنگنبشته‌های مسجد جامع عتیق اصفهان (مسجد جمعه) و هنگام فرود در آن شهر، به پاس وفاداری مردم این شهر به دولت صفوی:

«کل دارالسلطنه مزبوره و مواضع فرود از نزل بلعنت نامه برطرف فرموده، مقرر داشتیم که من بعد هیچ آفریده از امراء عظام و مقربان کرام و ملازمان درگاه فلک احتشام و قورچیان ظفر فرجام خاصه غلامان و ملازمان بیوات شریفه از هر طایفه و طبقه و هرکه بوده باشد در خانه احدی نزل ننموده، پیرامون نگردند و هرکس در هر خانه نزل

داشته باشد در روز^{۵۱} بیرون رفته و توقف ننمایند تا همگی بفرات خاطر در خانه و مکان خود ساکن بوده، دعا به دوام دولت ابدی الاتصال ما نمایند.»^{۵۲} در نمونه‌ای دیگر، شاه طهماسب در سنگنبشته مسجد حسن پادشاه تبریز ضمن شرح گرفتاری‌ها و پریشانی‌های مردم تبریز از همین عمل خانه نزل و تعبیر از آن به «نزل نوازل، که الحق اشد العذاب است»^{۵۳} به حسین خان و عبدالله خان، که ظاهراً حاکمان دولت در تبریز بوده‌اند، دستور می‌دهد تا گروه‌های مختلف سپاهیان را از «نزل و تأخیر در خانه‌ها و منازل» مردم برحذر دارند.^{۵۴} اقا گویا این بخش‌ها چندان پایدار نبوده و در گذر زمان فراموش می‌شده است. چنان که تا روزگار فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار همچنان یکی از مشکلات مردم در شهرهای مختلف ایران همین «خانه‌نزل»‌های خانمان سوز بوده است. دست کم دو فرمان از روزگار فرمانروایان اخیر، یکی در تبریز و دیگری در یزد وجود دارد که مأموران دولتی را از خانه‌نزل برحذر داشته است. در نمونه نخست، احمدخان، بیگلربیگی آذربایجان، در سال ۱۲۱۶ ق. در سنگنبشته سردر مدرسه طالبیه تبریز، ضمن بخشش‌های مالیاتی دیگر، ساکنان شهر را از فقیر و غنی، به غیر از «مالیات حسابی»، از «تمامی عوارضات و صادرات و خانه شمار و سرشمار و خانه نزل و سایر تحمیلات من جمیع الجهات معاف و مسلم» کرده است.^{۵۵} عبارات این سنگنبشته دو اصطلاح کلیدی برای شناخت انواع مالیات قانونی و غیرقانونی یا رسمی و غیررسمی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. یکی اصطلاح

۲. کارنگ، عبدالعلی، آثار باستانی آذربایجان (آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز)، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
۳. منوچهرستوده، از آستارا تا استراباد، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱ و همو، آثار تاریخی ورارود و خوارزم (جلد اول سمرقند و بخارا)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۴.
۴. لطف الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، مؤلف، ۱۳۵۰.
۵. ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۲.
۶. حسین مدرسی طباطبایی، تربت پاکان (آثار و بناهای قدیم محدوده کنونی دارالمؤمنین)، ج ۱ و ۲، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۳۵.
۷. مسعود، گلزاری، کرمانشاهان و کردستان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷.
۸. عبدالوہب حقیقت، تاریخ سمنان، انتشارات فرمانداری کل سمنان، ۱۳۵۲.
۹. سیروس برادران شکوهی، یوسف رحیم لو و یحیی کلانتری، سنگنبشته‌های آذربایجان (از نمونه‌های منتشر نشده)، دانشگاه تبریز.
۱۰. برای فهرستی نسبتاً مفصل از بازخوانی‌های سنگنبشته‌ها ر. ک: احمد خامه یار، «ماخذشناسی فارسی کتیبه‌ها و سنگ قبرهای اسلامی»، آئینه پژوهش، سال ۲۴، ش ۵ و ۶، اسفند ۱۳۹۲، صص ۱۳۵-۱۴۶.
۱۱. نمونه‌های بسیار پرشمار این‌گونه سنگنبشته‌ها در ایران را می‌توان در سنگنبشته‌های تیمره، در نواحی خمین و گلپایگان مشاهده کرد.
۱۲. فرمان مورخ دوازدهم شعبان ۹۷۲ق... سند شماره ۳ موزه کلیسای وانک اصفهان.
۱۳. کارنگ، صص ۲۷۷-۲۸۱؛ نوانی، شاه طهماسب: اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، صص ۲۲-۲۳.
۱۴. گلزاری، همان، ج ۱، صص ۴۷-۴۸.
۱۵. افشار، همان، ج ۲، صص ۱۴۱-۱۴۳.
۱۶. افشار، همان، ص ۴۷؛ گلزاری، همان، ص ۴۷.
۱۷. همان.
۱۸. در لغتنامه‌ها معنی مناسب اینجا برای خطیر یافت نشد. تنها معنی که اندک نزدیکی با اینجا دارد معنای نشاط است که یکی از معانی دور خطیر است. ر. ک: دهخدا، ذیل خطیر، با توجه به این که در ردیف کولیان و لولیان قرار دارند، قاعدتاً شباهتی شغلی با آنها داشته‌اند. ضمن این که می‌دانیم ریشه بیشتر کولیان و لولیان هم هندی بوده است.

۱۹. در لغتنامه دهخدا، به نقل از آنتدراج، حسن ابدال به کوتاهی به معنای ظرافت و خوش طبعی معنا شده است. اما تک بیٹی که به نقل از شاعری شغائی تخلص آورده شده است، با همه کوتاهی، می‌تواند گروه حسن ابدالی‌ها یا آنگونه که در متن آمده است، حسن

«مالیات حسابی»، که بیانگر دسته نخست، یعنی مالیات‌های قانونی و به رسمیت شناخته شده است. دیگری اصطلاح «تحمیلات»، که همه مالیات‌های غیررسمی را شامل می‌شود که مأموران دولتی بنا بر منافع خود یا برخی ضرورت‌ها بر مردم تحمیل می‌کردند. از همین سنگنبشته به خوبی برمی‌آید که «خانه نزول»، در کنار «خانه‌شمار» و «سرشمار» و مانند آن جزو مالیات‌های تحمیلی بوده است. این دو اصطلاح در دیگر اسناد و متون تاریخی نیز گاه با همین کاربرد به کار رفته است و می‌تواند سرفصلی برای پژوهش بیشتر باشد. در نمونه دوم نیز حسین خان آجودان‌باشی، که به حکومت یزد گماشته شده است، ادعا می‌کند که چون محمدشاه از آغاز بر تخت نشست، خانه‌نزول را در سراسر کشور ممنوع کرده است، او نیز در یزد و پیرامون آن این رسم را برمی‌اندازد و حتی خود و نزدیکانش نیز از این امر مستثنی نیستند: «و در شهر یزد در حوالی عمارات دیوانی، خانه‌ای چند بود که هنوز به قانون ذمیمه سابقه برخلاف امر اقدس منزل عمله حکام می‌بود. آن را نیز در هذه السنه موقوف داشته، بنده درگاه خود و توابعی که داشت، منازل خود را به طریقه اجاره شرعی به رضای صاحبان گرفته، تا احدی بدون رضای صاحب به خانه کسی منزل ننماید تا حکام آینده نیز به موافق حکم الهی و قدغن ظلّ اللہی مرتکب این امر نشوند.»^{۵۹}

پی نوشت‌ها

۱. ایرج افشار، یادگارهای یزد: معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۷۴.

- بند. ر.ک: دهخدا، ذیل جراح. از این روی نباید این دسته را هم جزو افراد پردرآمد جامعه به شمار آورد.
۳۲. لش کش یا لاش کش کسی بود که حمل لاشه حیوانات کشته شد را انجام می‌داد. ر.ک: دهخدا، ذیل لش کش.
۳۳. افشار، همان، ۱۴۳.
۳۴. احتمالاً آینه‌داران سنگنبشته بزد است که به بدینگونه خوانده شده است. ن.ک: پی‌نوشت ش ۲۵.
۳۵. شاید همان نوحه‌گران در سنگنبشته بزد باشد.
۳۶. گلزاری، همان، ص ۲۸.
۳۷. بر پایه تذکره الملوک، سلاخان است.
۳۸. یعنی سرخ‌کنندگان ماهی نظیر این کلمه «نخود ریز» و «جگر ریز» است. توضیحات استاد افشار در حاشیه همین صفحه.
۳۹. تذکره الملوک: کیوتربان
۴۰. بهله پوستی باشد که ترکیب پنجه دست دوزند و میرشکاران چرخ و باز در دست کشند و آنرا دستک شکاری نیز گویند: دهخدا، ذیل بهله.
۴۱. اینجا قاعدتاً نباید کیسه به معنای عام آن باشد بلکه احتمالاً کیسه‌ای است که با کار شکار پیوندی داشته است.
۴۲. معنی این پیشه روشن نشد.
۴۳. این تعلق به معنای ابواب جمعی قوشخانه نیست بلکه به این معناست که پرداخت‌های مالیاتی آنان با عنوان رسوم، به میرشکار، که رئیس قوشخانه بود، تعلق داشته است.
۴۴. افشار، همان، ص ۱۳۴.
۴۵. میرزا اسمعیل، ص ۵۵.
۴۶. افشار، همان، ص ۱۳۰.
۴۷. همان، صص ۱۹۸-۱۹۹.
۴۸. گلزاری، همان، ج ۱، ص ۴۲-۴۳.
۴۹. افشار، همان، صص ۱۳۱.
۵۰. افشار، همان، صص ۱۳۱-۱۳۲.
۵۱. «دروزه» اصطلاحی است که در اسناد و متون روزگار صفویه فراوان به کار می‌رود و از آن متون چنین برمی‌آید که به معنی «بی‌درنگ» است.
۵۲. رفیعی مهرآبادی، ۵۸۰.
۵۳. کارنگ، ص ۳۳۸.
۵۴. کارنگ، همان، ص ۳۳۹؛ حسین اسمعیلی سنگری و وحید ایلاتی، «بازخوانی اسناد کتیبه‌ای منقول در میراث جهانی مجموعه بازار تاریخی تبریز»، دن: فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۵، سال دوم، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۲۱.
۵۵. کارنگ، همان، صص ۲۲۱-۲۲۲؛ اسمعیلی سنگری و ایلاتی، ص ۱۲۳.
۵۶. افشار، همان، ج ۲، ص ۲۰۴.
- ابدالوها، را تصویر کند. بر این اساس آنها بسیار به کولیان و لولیان همانند بوده‌اند. چه آنان هم با ابزارهای موسیقی و دیگر چیزهای سرگرم‌کننده سرورکار داشته‌اند:
- گر بگویم سخن از حسن ابدالی هاست / ز ذف و تنبک و بوق و سگ و خرچین گویم (ر.ک: دهخدا، ذیل حسن ابدال) در نزدیکی راولپندی محلی به نام حسن ابدال وجود دارد. ر.ک. منشی استرآبادی، ص ۷۵۵ (تعلیقات مصحح) باید دید آیا اینان نسبتی با این محل داشته‌اند. چه اصولاً می‌دانیم که کولیان یا لولیان بیشتر به هندوستان منسوب بوده‌اند. البته محلی معروف و با صفا در نزدیکی قندهار به نام بابا حسن ابدال نیز وجود داشته‌است که قبر عارفی به همین نام در آنجا بوده‌است و بعید است که گروه یادشده در متن نسبتی با اینجا داشته باشند. ر.ک. منشی ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۹۷۸، ابوالفضل مبارک، اکبرنامه، صص ۲۸۹، ۳۵۵، ۳۶۰، سیستانی، ص ۳۳۹.
۲۰. معنی این پیشه نیز در لغتنامه‌ها یافت نشد. آیا گونه‌ای از کولیان بوده‌اند که برخلاف دیگران که منشأ هندی داشتند، از غرب ایران، یعنی نواحی عراق عرب می‌آمده‌اند؟
۲۱. افشار، همان.
۲۲. احتمالاً در بازخوانی اشتباه نوشته شده‌است و همان حسن ابدالو در سنگنبشته بزد است.
۲۳. گلزاری، همان.
۲۴. کهنه چینی، به نوشته نویسنده محترم یادگارهای بزد، شغل تخت گبوه درست کردن است. ر.ک: افشار، همان، ص ۱۴۳، زیرنویس ۱.
۲۵. آینه دار به معنای کسی است که در پیش عروس یا مانند او آینه نگه دارد تا در او خود را ببیند و به معنای سلمانی و سرتراش و مانند آن و همچنین توسعاً به معنای دلاک و حجام نیز آمده‌است. ر.ک: دهخدا، ذیل آینه‌دار.
۲۶. ماماچه شکل دیگری از ماما و همان قایله است. ر.ک. همان، ذیل ماماچه.
۲۷. مشاطه در قدیم بیشتر به معنای آرایش‌کننده عروس بوده‌است. ر.ک. همان، ذیل مشاطه.
۲۸. به نوشته استاد ایرج افشار و البته با احتیاط، «پیشه منقاسازی و چیزی شبیه آجیل فروشی کنونی (ظ)» بوده‌است، همان، زیرنویس ۳.
۲۹. شومالی را نیز استاد افشار این‌گونه معنی کرده‌اند: «شودمالی که در تلفظ محلی «شومالی» گفته می‌شود آهار دادن منسوجات بوده‌است و در تاریخ بزد جعفری و تاریخ جدید بزد ضبط شده‌است.» همان، زیرنویس ۴.
۳۰. معنی مناسبی برای این پیشه یافت نشد.
۳۱. اینان را نباید با جراحان امروزی که پزشک هستند و شغلی مهم و البته پردرآمد دارند، اشتباه گرفت. جراح در دنیای قدیم ایرانیان پزشک یا حکیم نبود بلکه کسی بود که زخم (جراحت) مجروحان را می‌بست و آنان را پرستاری می‌کرد یا به قول علامه دهخدا: خسته